

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0657

<http://hdl.handle.net/2333.1/rjdfn350>

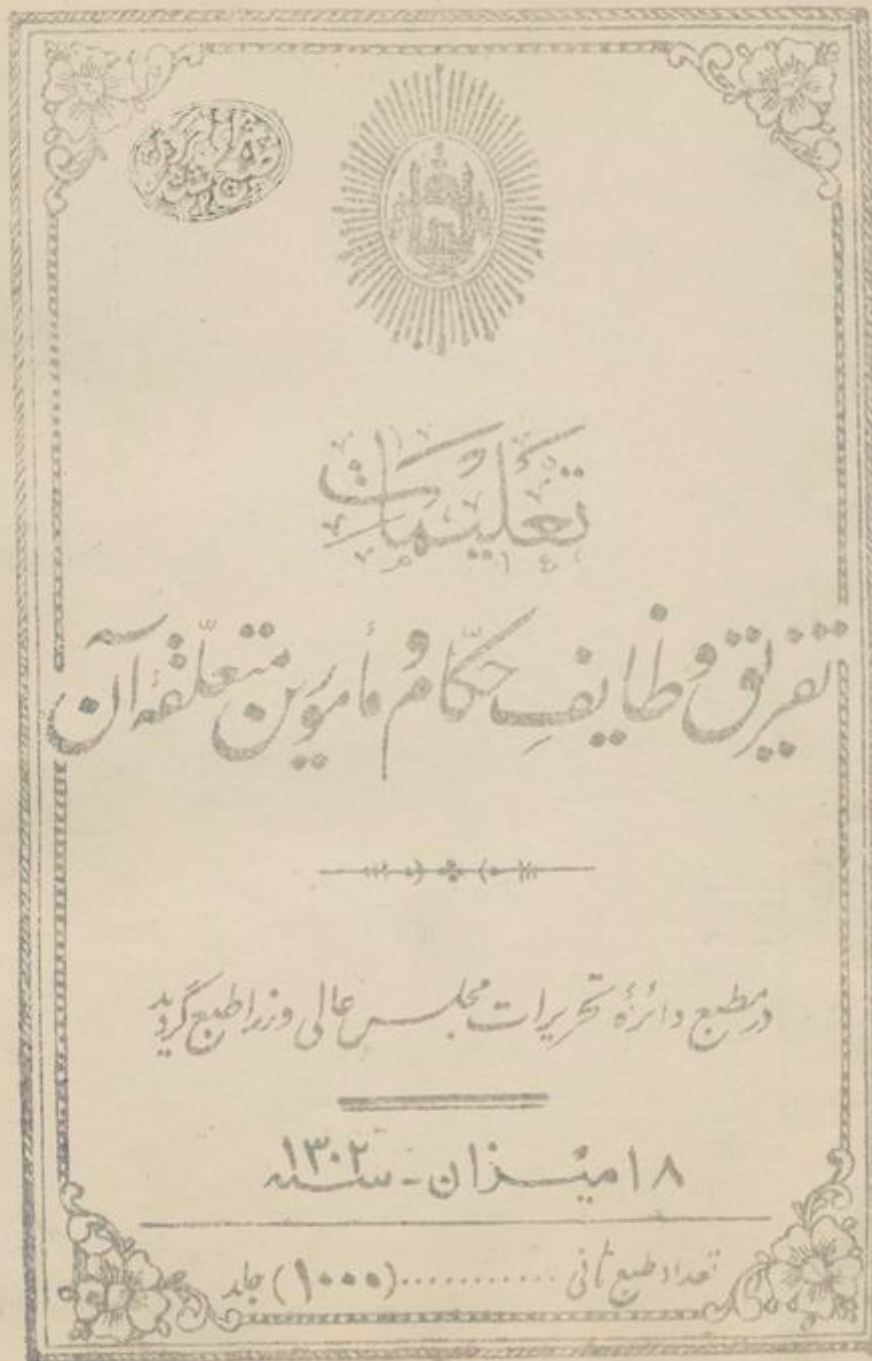


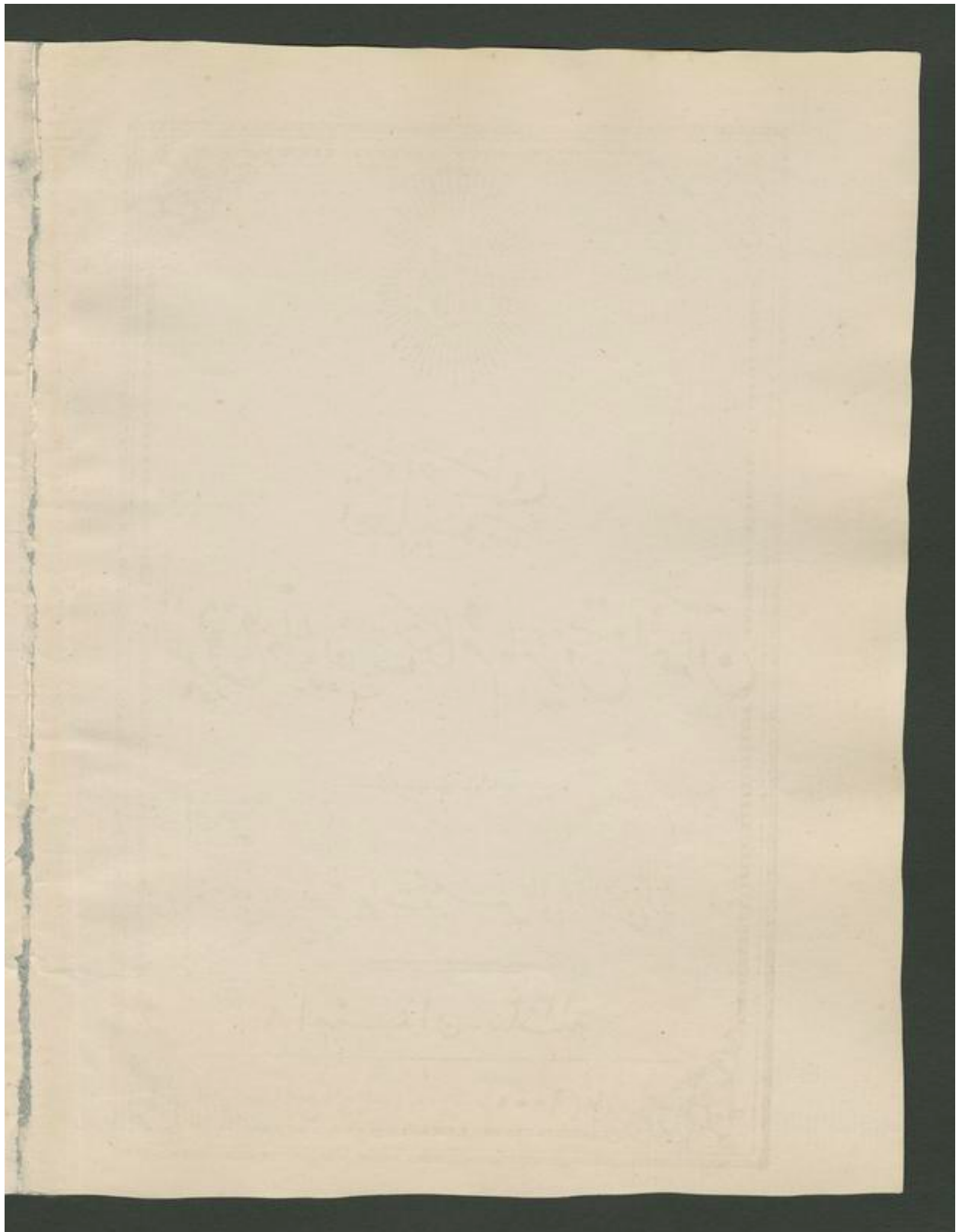
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu







تعلیمات تفریق و طایف حکام

و مامورین متعلقه آن

مهمید

قبلاً برای اجرای امور دولت و تسهیلات کارائی
اقتصادان قوانین و نظاماتیکه موافق آن رفتار میشد موجود
نموده هر یک از مامورین بمقتضیات خود و قیاسی بیک طریقه
همیشه رعایا پریشان و سرگردان و کارائی معطل و مختل
میبودند. اجرای خدمات محوله خود را میکردند که امور دولت
در هیچ وقت بیک اصول اجراییافته اختلاف زیاد می واقع
بود بلکه بعضی مامورین بوطایف دیگری تشبث نموده

از بسیاری کار و طایف صلیبش باز میماند و برخی از معد
تواعد و نظام و طایف خود را هم مهمل و مجمل میگذاشت و رعایا
مرجع عرض و انجراح حوائج خود را ندانسته همیشه مضطرب
و سرگردان میزدند.

بنابر رفع این پیچیده گی و سهولت کار امانی در هر شعبه تشکیلات
مأمورین و توضیح نظامات و قوانین گردید تا هر کدام مأمورین
و طایف خود را بر طبق قوانین نظامیه باندازه اختیار ارات خود ایفا
نموده مرجع کار امانی معین باشد. اما از سوء تفاهات بعضی مأمورین
و نا بلدی امانی به امور موافق قوانین موضوعه بر محورش گردش
نمیکند و اکثریه بیان عادت سابقه خود روش مینمایند، چنانچه
نائب الحکومه ما و حکام در امور جزوی و کلی شعبه حرمیه، خارجیّه
عدلیه، حسابیه امنیه و دیگر شعب بالذات صرف اوقات نموده
از کارهای مهمه موقوفه خود باز مانده، دیگر مأمورین بیکار میمانند
بناعلیه توضیح و تفریق و طایف مأمورین در امور متعلقه شان
و مرجع حوائج امانی ذیلاً میشود تا هر کدام و طایف خود را دانسته
حسب نظامات دولت اجرای و طایف خود را نمایند :-

قواعد عمومی

۱: — نائب الحکومه و حکام اولاً بعرض و داد مالی شخصاً
پرواخته بعضی امور را بدون تطبیق نظامات مقننه
قیاساً اجرا و برخی را با اسم اداره یا احکام اجرائیه
نموده در محبتش محاکم شرعیه و دفتر و امینیه و دیگر
دوایر برای تصفیه میفرستند فی الواقع آنچه خود
اجرا نمایند خلاف نظامات و بهر آنچه بعد ملاحظه
احکام اجرائیه بدوایر مینگارند سبب تضییع اوقاف
آنها و سرگردانی مالی است .

آینده نائب الحکومه و حکام ابتداء به امور
مربوطه دوایر شعبات قطعاً صرف اوقات نکرده
همه کارها اول باول بدون حکمائیه نائب الحکومه یا
حکام با اداره منصوبه اش مراجعت کرده از
انجا بروفق نظامات دولت در معرض اجرا
گذاشته میشود و تا زمان بلایت مالی مرجع

حوائجشان بمقتدر بنهوتی و نشان دادن نقطه مرجع کار
 امالی هر یک نائب الحکومه و حکام بکثیر شخص اند
 خارج در بار حکومتی مقرر کنند تا اداره مربوطه
 کار هر کدام را برایشان نشان بدهند که امالی
 بهمان اداره رفته اجراء کار خود را نمایند
 ۲: — مستوفیها و سر رشته داران اعلی و اُمورین مالیّه
 و عدلیّه و امنیه و دیگر شعبات سابقاً در هر کار جزو
 حکماء نائب الحکومه و حکام را طلب نموده امالی را
 سر اسیمه و سرکردان مینمودند، حقیقتاً مواد نظام
 دولت در شعبه هر اداره بسند کافیت و در
 اجراء امور بر طبق قوانین موضوعه هیچ
 احتیاجی به حکماء جد اکانه نیست پس اتیان امور
 عرض و داد امالی را در شعب مربوطه اداره خود
 ابتداء بدون حکماء نائب الحکومه و حکام
 بدستی اصناموده اجرائی کار و حوائجشان را
 موافق قوانین و نظامات دولت بدون تعطیل
 و سرکردانی باندازه اختیار است خود بنا نمایند

و در صورتیکه مافوق اختیارات شان باشد
و یا در نظامات به اختصاص موادی ایراد نیافته
باشد به اوقات کار خود بحضور نائب الحکومه تقدیم
نموده بعد استجازه در معرض اجرا میکنند
احیاناً که امرا مافوق اختیارات نائب الحکومه
باشد و دیگر قواعد نظامیه تطبیق نشود و وزارت
مسوبه با مضامین نائب الحکومه مکاتبه نموده بعد
استیذان وزارت معمول میدارند.

۳: — اگر از طرف مأمورین در اجرای کار امانی تعطیل
و برای شان سه گردانی بی سبب پیش شود و یا
در باره آنها خلاف قوانین و نظامات دولت
رقار شود امانی موافق قاعده (۴) استحقاق
عرض و استغاثه را دارند و با اوقات معینه نزد
نائب الحکومه عرض حال خود را نمایند و نائب الحکومه
موافق نظامات قانونیه بازخواست سوء
رقار مأمورین را بنمایند.

۴: — قاعده اول و دوم برای تعیین اختیارات

تعیینات تفریق و نظامات

و تفرق وظایف مأمورین ایراد یاقه و سبب
عدم تعلق نائب الحکومه و حکام بکارهای متعلقه
مأمورین گفته نمیشود بلکه نائب الحکومه فی الحقیقت
رئیس و آمر اداره عمومی یک ولایت است
که همه مأمورین در زیر نظارت او اینها می نمایانند
بنابیند و نائب الحکومه موانع را در رفتار آنها مراقبه
و نگرانی دارد و اداره شعبات مربوطه ولایت
و اجرای او امر را ذیلاً نماید :-

الف :- برای اجرای او امر و ملاحظه هتداتیکه
ما فوق اختیارات مأمورین باشد در هر هفته
دو یا ایام از روی تقسیم اوقات نائب الحکومه
تعیین وقت میکند که هر یک از مأمورین
بهان روز کار خود نزد نائب الحکومه حاضر
گردیده و نائب الحکومه باندازه اختیارات
خود موافق نظامنامه اجرای او امر مینماید
و اگر بعضی مأمورین بواسطه اجرای کدام امر
ضروری بدون اوقات کار خود نائب الحکومه

ویدن نخواهد بعد اجازه کار خود را بحضور
نائب الحکومه تقدیم کرده میتواند .

ب: - نائب الحکومه همیشه رفتار مأمورین را
سرّاً و علناً مراقبه و نگرانی میکند، علاوه بر
به ایام هر هفته یکروز در میان که هفته روز
شود در روز یک ساعت بعد سه بجای روز عرض
و داد امانی را که از سوار رفتار مأمورین و
اجرای او امریکه بکلیف نظامات دولت
در باره آنها نموده باشند و امانی استغنا
نمایند میشوند .

۵: - نائب الحکومه و حکام در اوقات حاضری دائماً
مشغول امور دولت بوده بکارهای خصوصی صرف
اوقات نمیتوانند و هیچ یک اعزه و معتبرین محض بر
ملاقات آنها در وقت کار اذن ادخال ندارند
هرگاه بعضی اشخاص اعزه و اشراف و ملاقات
خصوصی نائب الحکومه و حکام را آرزو داشته باشند
بدون اوقات کار از طرف صبح و عصر بجا

۸
آنها بعد استجاره ملاقی شده میروا شد ملاقات و تأدیر بقیه
یک روز یا نیم روز به آیام غیبتی که اوقات ملاقات
نائب الحکومه و حکام تعیین می یابد بجای
حکومتی ملاقی آنها ممکن است ، حیثاً اگر یکی
از امالی کار ضروری داشته باشد در کات
مخصوص ملاقات نام و کیفیت کار خود را
نوشته در زمان کار براسے نائب الحکومه
بفرستد نائب الحکومه اگر دیدن او را
لازم و کار او را ضروری بداند بحضور خود
طلب میکنند و الا بدیگر وقت و عده داد
بهمان وقت موجود ملاقات نائب الحکومه
حاصل خواهد نمود .

قواعد خصوصیه شعبات

شعبه حربیه

۱: — سابقاً در شعبه خدمات داخلی حربیه بعضی نایب‌الحکومه و حکام مداخلت نموده در بین منصبداران نظامی و حکام منازعه و مناقشه وارد میکرد و بدینسان نایب‌الحکومه و حکام مجدمات داخلی عسکری هیچ حق دخلیت ندارند قوماندها و منصبداران عسکری وظایف داخلیه عسکری تعلقه خود را بر موافق نظامنامه خدمات داخلیه عسکریه ایفا می نمایند .

۲: — بعضی منصبداران عسکری در خارج و لویه عسکری مداخلت نموده فیصله دعوی تحصیل حقوق عسکری و امانی و مجازات قباحات می نمودند آیند و افراد عسکری در خارج و لویه عسکریه اگر دعوی حقوق داشته باشند و یا ترکیب قباحات و جنحه و جنایت شوند و یا برخلاف قواعد نظام

پولیس رفتار نمایند همیشه مطابق نظامنامه جزای عمومی
 تابع محاکمه ملکیه و قوانین پولیس میباشند .
 ۳ : تعیین سرحد در سابق گاهی از طرف نائب الحکومه حکام
 وزمانی از جانب منصبداران عسکری می شد ازین جهت همیشه
 اختلافات فیما بین منصبداران نظامی و حکام ملکی واقع
 میگردد آئین تعیین سرحد و ارتها از طرف فرماندهان
 کلان عسکری از جمله منصبداران نظامی میشود .
 روابط کار و ارسال و ارسال اجراءات محافظه سرحد
 و استخبارات سیاسی سرحدی بنائب الحکومه و حکام تعلق
 دارد در حالیکه سوز رفتار و روش خلاف قانون از سرحد
 مشاهده شود، بموجب الحلاع تحریری نائب الحکومه و حکام
 فرماندهان عسکری عجالتاً تبدیل سرحد و در رابیک شخص
 درست و لایق مینماید .

۴ : اگر منصبداران عسکری برای تحصیل حقوق رعایا محصل از
 جمله افراد عسکریه مقرر میشوند این فقره خلاف
 قاعده بود و در آئین فیصله دعای و تحصیل حقوق طوعاً
 به ملازمان عسکری تعلق نمیکرد حتی تصفیه دعوی

و استحصال حقوق افراد عسکری نیز بمحلّه عدلیّه متعلق است
 که در محاکم عدلیّه مراجعت نموده بقوه عدلیّه طلب
 حقوق نمایند .

۵: — برای احضار غیر حاضران عسکری از طرف منصبداران
 نظامی محصل مقرری شد و از طرف آنها برای قریه
 و مجاور و اقارب ملازمین نظام اذیت و زحمت
 میرسید آئینده از طرف قوماندهای قطعات عسکری
 برای حکام محلی اطلاع داده شود و آنها بذریعہ قریه
 و علاقه دار یا غیر حاضرین نظامی راجع نموده پس
 منصبداران نظامی همان علاقه نمایند که بمفرزہ
 عسکری ملازمت شان بفرستند .

۶: — سابقاً تفریق تقسیم وظایف مأمورین ملکی
 و خدمات عسکری بدرستی نبوده اکثر خدمات غیر
 و فنیّه عسکری ابر و دش عسکر میگذاشتند حال
 که تقسیمات و وظائف شد و امنیت عمومی
 و محافظت شهر بعهده قطعات پولیس
 و کوتوالی نهاده شد و که عسکر خدمات ملکیّه

تعلق ندارند اگر در یک زمان قوه قطعات
پولیس و کو توالی برای محافظه شهر و امنیت عمومی
کافی نشود جهت رفع اختلالات داخلی و یا
اندفاع حملات خارجی معاونت عسکریه
ضرور افتد موافق ماده (۸۸) نظامنامه تشکیلات
اساسی بموجب حکنامه نائب الحکومه و محکم
اعلی قطعات عسکریه معاونت پولیس
و کو توالی و دفع معاندین را مینمایند
و بعد از ازاله واقعه به امرنامه نائب الحکومه
و حکام بقطعات شان اعاده میشوند .

شعبه خارجه

- اکثر امور خارجه بذریعہ مکتوب نویسیهای نائب الحکومه
اجرامی شده اما امور خارجه که بهین کار مقرر بود بیکار و پیچیده میماند
آینده مکتوب نویسی نائب الحکومه قطعاً در امور خارجه مدخلت
نمیواند همه امور خارجه بذریعہ امور خارجه در زیر امر نائب الحکومه
در معرض اجرا گذاشته میشود بدین تفصیل :-
- ۱ :- همه امور تحریریہ شعبه خارجه که نائب الحکومه بدارند اختیار
خود بقونسلهای خارج مکاتبه میکند و یا بوزارت خارجه
مخابره مینماید و طیفه امور خارجه است .
 - ۲ :- تعیین وقت ملاقات قونسلهای و مهابتهای رسمی خارجه و تدارک
لوازمات آنها بتوسط امور خارجه میشود .
 - ۳ :- معاملات سرحدیه که از شعبه خارجه واقع شود و دیگر معاملات
خارجہ تماماً بذریعہ امور خارجه حل و فصل میگردد .
 - ۴ :- امور خارجه بیچکاری را بدون تصویب امر نائب الحکومه
در مرکز و خارج اجرا نمیتواند .

شعبه داخلی

اداره نفوس :-

سابقاً در کار نفوس یک قاعده درست موجود نبوده و همیشه بدون ترتیب و ترتیب بنام شک حسب حکنامه هر که ام نامورین حواله نفوس میشد حال در باب کار نفوس نظامنامه مکتبی بوجود آمده که هدایت تحریر نفوس و اخذ نفوس و اندازه اختیارات نامورین نفوس در آن توضیح یافته و موافق نظامنامه مذکور مرجع امور متعلقه نفوس هر ولایت مدیریت نفوس همان ولایت است که مدیر نفوس باندازه اختیارات خود موافق نظامنامه اجرائی و نظایف نموده علاوه بر آن آنچه مختصراً بحدیث مدیریت نفوس عمومی لازم شود بتصویب و امضا نائب الحکومه اطلاع میدهد .

اداره نقلیه :-

سابقاً اداره نقلیه کمندای حرمیه و ملکیه یکس اداره بوده همیشه در این

منصب داران نظامی و امورین ملکی نازعه بوجود میرسد حال شعبه
نقلیه حربیه علیحدہ و متعلق بقوماندا ہنہا سے عسکری و شعبہ ملکیہ جدا
و متعلق بنائب الحکومہ ما و حکام رودید

نگرانی و با خبری کنندہای عسکری بذریعہ قوماندا ہنہا سے
عسکری و تہیہ خوراکہ و تجبیر و لوازمات آن از ادارہ لوازمات حربیہ
میشود و ما مور نقلیہ ملکیہ در زیر نگرانی نائب الحکومہ و حکام ایفا
و نظایف نموده تہیہ خوراکہ و تحمیل لوازمات شان بتصویب
نائب الحکومہ و حکام بذریعہ مستوفیان و سررشتہ داران اعلیٰ نمود
میشود یعنی با خبری و نگرانی مال مواشی ملکی متعلق بنائب الحکومہ
و حکام و کار حسابیہ آن مستوفیان و سررشتہ داران ملک است

ادارہ معابر :-

ادارہ معابر کہ سابق یا ادارہ یاوری مربوط بود حال بوزارت
داخلیہ محقق شد و ما مور معابر و ولایات در تحت نگرانی نائب الحکومہ
انتظام معابر را نمود و اجرائی کار را بہ اندازہ اختیارات خود
میتواند و علاوہ بر آن از نائب الحکومہ ما ہدایت
و مقرر شدہ میگردد

تعیینات و تفریقات و تفصیلات

شعبه عدلیه

۱: — پیش ازین نائب الحکومه و حکام غالباً در امور عدلیه بالذات
 صرف اوقات نموده بالاخر مدعی و مدعی علیه را بمحاکم
 عدلیه میفرستادند درین صورت تضییع اوقات
 آنها گردیده ایالتی بعد سرگردانی بر جیش عوث میکرد
 بعد ازین ایالتی برای فیصله دعا و می خود براه راست
 بمحاکم عدلیه مراجعت نمایند اگر بعضی نفری بعبادت سابقه
 بعرض و داد حقوقیه نزد نائب الحکومه و حکام برو
 یکفر خوانده خارج در بار حکومتی از طرف آنها
 مقرر است تا ایالتی را بمحکمه اصلاحیه و ابتدائیه
 رهنمایی و روانه کنند.

۲: — در محاکم شرعیه سابقاً همه امور دعا و می فقط در یک
 محکمه متعلق بود که انفصال یک فقره کار از عدم
 فرصت بطول انجامیده و ایالتی نهایت سرگردانی
 میبودند، اکنون محاکم متعدده تشکیل و کارها بمحاکم

تقسیم شده تا محاکم عدلیه عجلتاً بتصفیه و فیصله دعا و
امالی پرداخته هر که ام مطابق نظامنامه باندازه
اختیار است خود فیصله دعا و بی رانمایند .
سابقاً برای تحصیل حقوق از محاکم عدلیه محصل
مقرر می شد آتی در محاکم عدلیه خاص دعا و
فیصله میشود یعنی از محکمه مرکز بر یک شخص محصل مقرر
نمیشود . فیصله جات حقوقیه که در محاکم انفصال می
باشد مدعی سپاریده میشود اگر مدعی علیه تند می نماید
در نائب الحکومه کی و حکومت باینکه الی تو لیمشتر قوماندا
کو توالی مقرر است در نزد قوماندا نهایی کو توالی
مراجعت نموده بذریعه آنها تحصیل حقوق نمایند
و اجرای مجازات جغه و جنایت بعد اتمام فیصله
بذریعه قوماندا نهایی کو توالی در معرض اجرا
گذاشته میشود . درجا باینکه قوماندا ان کو توالی
از تو لیمشتر پایا نتر است تحصیل حقوق و اجرا
مجازات بتوسط حکام میشود .

(تبعاً به تفریق وظایف و احکام)

شعبه مالی

۱: — تا حال اکثر نفی محض ذریعه قوه اجرائیه خود اولاً بنا بر حکومه
و حکام عرض کرده حکنامه اسمی مستوفیها و دفترها
حاصل ننمودند آئینده چونکه برای اجرای امور قواعد
نظامیه موجود است نائب الحکومه با و حکام ابتداء
در امور حسابیه صرف اوقات نکرده و در غرض
نقرات حسابیه امالی حکنامه نمیدهند و رأساً
امالی برای اجرای امور حسابیه خود بدون سرگردا
بیان اداره مربوطه اش رجوع نمایند
کاتبان و سرکاتبان و مأمورین و مدیران
همان کار قاعدتاً امور حسابیه متعلقه خود را
به اندازه که اختیارات شان تحدید کرده
شده است اجرا کرده علاوه بر آن بصلاح
مشوره مستوفی و سر رشته داران مشوبه
اجرا و امور حسابیه را مینمایند .

۲: — در جلب نامه نامورین و اشخاصیکه برای فیصله حساب
و دعاوی حسابیه خواسته می شدند، نائب الحکومه
و حکام امضا می نمودند، آتیا در جلب نامه شعبه حساب
تنها امضای مستوفی و سر رشته داران کافی
شمرده می شود.

۳: — در بروات مصارف و معاشات و رسیدات
خزانه و گد ام و تحویلخانه مهر نائب الحکومه و حکام
می شد چونکه علم آوری در صحت و غلطی بروات
از جانب آنها ممکن نبود و بدون آنکه مهر نامورین
و دفترها را دید و مهر می نمودند هیچ سنجش و تحقیق
نمی توانستند و کلیه صرف اوقات حکام به همین کار
بفیاض بود و هم برای تعیین مصارف و معاشات
تمامی ملکیت محروسه افغانستان بود و به معنی
میزان دخل و خرج ترتیب شده که اندازد
مصارف و معاشات بر شعبه داران مشخص
و محدود است و دفترها موافق منظور می بود
که از وزارت مالیه برای شان اطلاع داده شود

حواله مضارفات و معاشات را بنمایند آینده در
بورات و رسیدات خزانه و تحویلخانه یا مهربان حکومه
و حکام ضرورت نذار و تنها مهرستوفی و ششتر دارا
اعلی بعد ثبت و امضای اداره ناسند و کافی است .
۴ : — در مخبرات حسابیه که از مرکز ایالات یا مأمورین میشد
نائب الحکومه یا باعتبار امضای ستوفی یا امضا
مینمودند و همچنان آنچه سائل حسابیه از جانب حکام
و مأمورین مالیه فرستاده می شد بعنوان نائب الحکومه
میفرستادند و آنها بعد ملاحظه بد فترمی سپارند
آینده مخبرات و مکاتبات حسابیه که از اوایل
ستوفیها در محلات مربوطه ولایت میشود بنام
حکام و مأمور مالیه تحریر و تنها با امضای ستوفی
فرستاده شود حکام محلی عیناً همان مکتوب را
بعد ملاحظه سپرد و فترمی و یا مأمور مالیه نموده
در معرض اجرا گذاشتن آن متوجه باشند
هر قدر فقرات حسابیه از محلات مربوطه
نائب الحکومه گلی مرکز مربوطه اش تسبیل شود .

مأمور مالیه و حکام تنفیاً امضا نموده تنها بعنوان مستوفی
 تحریر و ترسیل نمایند .

مخابرات و مراسلاتیکه از ولایات بمکرکز وزارت
 میشود بامضای نائب الحکومه و مستوفی فرستاده
 شود همچنان در شعب حسابیه که از وزارت بولایات
 مخابره میشود بنام نائب الحکومه و مستوفی مکاتبه
 نگاشته نائب الحکومه بعد ملاحظه عیناً همان
 مراسله را برای اجرا بمستوفی میسپارند مخابرات
 دیگر شعب نیز بهین صورت اجرامی پذیرد .

۵ : — بعضی مصارف لازمه که تخصیصات بودجه بدین
 کفایت نمیکند و ضرور شود مستوفی بمصلحت
 و اتفاق نائب الحکومه بوزارت مالیه و وزارت
 همان شعبه اطلاع داده بعد منظوری حضور
 از وزارت مالیه و وزارت مربوطه همان شعبه
 برای شان اطلاع داده میشود که احسب
 دارند .

شعبه معارف

قبل برین کافه امورات معارف را از جزوی گرفته تا کلی خواه
بوزیر خواه بوالی رجوع کرده او امرش را اسمی ماتحتان
استحصال می نمودند مثلاً عارضی عرض میکرد پسر من از یک
مکتب بد دیگر مکتب تبدیل شود و یا بیکس و غیرهم پسر من از
مکتب معارف شود و یا شخصی از سلوک و روشش معلوم یا معلوم
نسبت به پیشش را ساجد بحضور وزیر و یا دالی متظلم میگردد
و باز از طرف وزارت یا ولایت حکم تفیش و تحقیق بجه امور
باسم مدیر و بعضاً اسمی سر معلم وارومی شد در این صورت
علاوه بر اینکه در امورات تنسیقیه و تنظیمیه دائره اختیار
مأمورین معارف یک اختلال و پیچیدگی رونمود و پیش رو
مقدمات عمومی طلبه نیز یک سکتگی پیش میگردد و اجراء
امورات لازمه که باید بقوری عمل ید تبعوی می افتد
بعد ازین باید همه امورات معارف بدیران
آن مراجعت شود یعنی امورات متعلقه مکاتب شهر

بدیر شمر و از مکاتب شش گروهی بدیشش گروهی
و کذاک از هر شعبه بدیر آن رجوع شده بدیرهای شعبه
تا بحدیکه اختیار دارد و خودش اجرا و مافوق آنرا بدیر
بدیر القا میکنند سر بدیر نیز امری را که در اجراست آن
مجاز است اجرا و مافوق آنرا اقرار ضابطه (۱۰۹) بوالی
عرض و سر رشته اتخاذ میناید .



شعبه تجارت

امورین گمرکات همیشه بضبط و در بندرات و اخذ
محصولات مطابق نظامنامه گمرک موقوف بوده و در ترقی
و تزايد تجارت مساعدت و مجاهدت مینماید و در قرائت
ما فوق اختیارات خود بنائب الحکومه مراجعت میکند و آنچه
قابل اطلاع و استحصال و ایت مرکز باشد با مضامین
نائب الحکومه بوزارت تجارت مخبره کرده و سر رشته
و ایت میگیرد

* * *

شعبه زراعت

مدیر زراعت ولایات پیوسته و تجسس و انکشاف معاونین
و خزانها و واحداث جنگلهای سعی و اجتهاد بهم رسانیده و مسائل رتبه
زراعت را با مأمورین اراضی سرکاری و امانت زراعت کار
هدایت مینماید، بکشف معاونین و خزانها و واحداث جنگلهای را
با اجازه نائب الحکومه و حکام بکار انداخته تخصیصات معینه
بوده را با اجازه آنها صرف مینماید علاوه بر تخصیصات معینه اگر
دیگر مبلغی برای کارهای مذکور لازم و ضروری بیند با مضاف
نائب الحکومه بوزارت زراعت و وزارت مالیه اطلاع داد
منظور می حاصل میدارد .

شعبه زراعت و اراضی و جنگل

شعبهٔ امنیه

- ۱: — سابقاً مجازات قباحات را حکام قیاساً حسب اقتضا اجرا
 می نمودند آئینده فیصله و مجازات قباحات را فرماندهانها
 کو توالی و رنائب محکومه کیهبا و حکومتی مانیکه از غند مشر
 تا کند کشر مقرر مستند مینایند و در حکومتیه مانیکه الی
 تو لیمشر فرماندهانهای کو توالی آن مقرر است تحقیقات
 قباحات را نموده حکم مجازات را حکام میدهند در موای
 پایا نتر از تو لیمشر منصبدار کو توالی موجود است تحقیقات
 و مجازات قباحات بعد از حکام مفوض است در علاقه
 داریها تحقیقات و مجازات مرکبین قباحات بذریع
 علاقه دار بصلح و مشوره مجلس علاقه داری اجرا میشود
 ۲: — تحقیقات ابتدائیه جنو و جنایات را در رنائب محکومیهها
 و حکومتیه مانیکه فرماندهان کو توالی آن از غند مشر الی
 تو لیمشر است فرماندهانهای کو توالی و در علاقه داریها
 و حکومتیه مانیکه منصبداران کو توالی پایا نتر از تو لیمشر

میشد حکام و علاقه داران نموده نتیجه تحقیقات را موا
قوعاً در نظامنامه در محاکم عدلیه سپارند که محاکم مزبوره
بقرار نظامنامه و قواعد موضوعه تصفیه و ترکیه شود .

۳ : — نائب الحکومه و حکام اعلی در اموراتی که بکوتوالی در
زیر تحقیق می آید بعین تحقیقات نگرفنی و استحصال
معلومات نموده میتوانند و بعض فقرات مهمه که باعث
اخلال امنیت ملک باشد شخصاً بذریعه کوتوالی
در زیر نگرفنی خود تحقیقات نمایند .

۴ : — سابقاً برای تحصیل حقوق خاص از طرف نائب الحکومه
محصل مقرر میشد و اوقات خود را بقیصه دعاوی
حقوقیه صرف مینمودند اتیاناً در نائب الحکومه که هیچ
و حکومتها نیکی قوماندانها می کوتوالی از غنند مشر
الی تو لیمشر مقرر است برای تحصیل حقوق در صورت
عرض شعی بموجب فیصله جات محاکم عدلیه توسط
کوتوالها محصل مقرر میشود و در مواضعیکه منصب
کوتوالی از تو لیمشر یا نتر است حکام و علاقه دارا
موافق فیصله شرعی تحصیل حقوق را مینمایند .

شورای دولت

اعضای مجلس شورای نایب الحکومه گیهاد حکام (موافق نظامنامه
انسانی) فقراتی که نظر بصلاح حال رعیت و بهبود امور دولت لازم
اطلاع بدانند بنایب الحکومه و حکام اطلاع دهی نمایند نایب الحکومه
و حکام اگر در تحت اختیارات شان باشد و اجرامی آنرا حتمی بدانند
هر فقره را با داریه مربوطه آن سپاریده حکنامه اجرا میدهند
و اگر مافوق اختیارات شان باشد بوزارت منسوبه آن اخبار
نموده بعد استیذان مرکز در معرض اجرامی آورند .

پوسته

مأمورین پوسته و فنیّه دائماً بقائم داشتند تلغیفون و پوسته
رسانی بزرگامر نائب الحکومه موظف بوده در صورت احوال و اغضا
آنها نائب الحکومه باز خواست تغافل و تکاسل شانرا میناید
اجرای پوسته رسانی بصورت تعهد و تأسیس تلغیفون و
تلغراف جدید اگر لازم شود نائب الحکومه باندازه اختیار
خود بذریعہ مأمور پوسته و فنیّه اجرا و ما فوق آنرا بدیرت
مستقله آن القا و بعد استجازه مرکز امر اجرامید .

اداره طبیعیه

مأمورین طبیعیه مطابق قواعدیکه در نظامنامه تشکیلات
اساسیه توضیح یافته ایفای وظایف خود را مینمایند
نائب الحکومه و حکام مواظبان با خبر و نگران کار آنها میباشند
که تعدادی امراض و سائره بدرستی شود و از دیگر طرف
پاکی و صفائی محلات و انسداد اسباب موجب امراض
مسریه بقرار تصویب مأمورین طبیعیه بذریعہ مأمورین کو تو اسلے
نموده شود و نائب الحکومه بهمه جهت در تدابیر مأمورین طبیعیه
که براسی دفع امراض متعدی و ساری پیش نهاد
نمایند معاونت و مطابقت مینمایند .

مکتوب نویسیها نائب الحکومه و حکام

نائب الحکومه و حکام بعض فقرات تفتیشیه امور متعلقه دیگر اوارده
توسط مکتوب نویسیهای خود مینمودند آینده مکتوب نویسیها
حکومتی باشد و آن فقراتی که در نظامنامه مدیریت مکتوب وظیفه
شان است بفقرات متعلقه دیگر دوا گردد اخلت کرده ننمایند
موادیکه درین نظامنامه به نسبت وظائف نائب الحکومه
و مأمورین و تدویر امور دوا گردد مربوطه یک ولایت ایراد و اصلاح
یا قه عیناً بهمان قواعد در حکومتها علی نیز تطبیق و تعمیل
میشود.

(تفتیشیه امور متعلقه و دیگر اوارده)

(ضمیمه تعلیمات تفریق و تلخیص مأمورین)

۱- اشخاصیکه بموجب فیصله و محبت مدار استناد شرعی طلب حقوق برود
تفریق سکونت دیگر ولایات محل داشته باشند و نزد حکام محلی
خود استغاثه کنند آنها برای حکامیکه مدعی علیشان با آنجا سکونت
دارند درباره تحصیل حقوق عارضان اطلاع بدینا بموجب سند حق
عارضان تحصیل و برای شان ترسیل دارند .

۲- زنها یکبار از رسیدن نفقه خود را از طرف شوهرشان که بعلاقه دیگر
حکومتی باشد نزد حکام محلی خود عارض نمایند حکام محلی آنها در ترسیل
نفقه شان رسا بادیگر حکام مخا بره نموده میتوانند تحریر ۲۸ جز را

در اجرای احکام مواد فوق نائب الحکومه و حکام و مأمورین متعلقه
آن مکلف اند



تلفظ در تفریق و تلخیص مأمورین

